

روایت پژوهی نخبه‌ی ورزشی شدن زنان ایرانی مبتنی بر شرایط مشقت‌بار زندگی

ستاره دینلی^۱، رخساره بادامی^۲، زهره مشکاتی^۳، سحر فائقی^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۳/۱۷ صص: ۳۸-۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۳/۳

چکیده

هدف از این مطالعه، روایت پژوهی کسب سکوی قهرمانی توسط خواهران افسانه‌ای ووشوی ایران است. رویکرد تحقیق، کیفی و از روش روایت پژوهی استفاده شد. تحلیل روایت مبتنی بر مصاحبه‌های رسانه‌ای با خواهران منصوریان در برنامه‌ی ماه عسل است که عنوان نمونه‌ی هدفمند در نظر گرفته شد. بر اساس یافته‌های به‌دست آمده از مصاحبه‌های روایتی در مواجهه با رخدادها و کنش‌های صورت گرفته در زندگی خواهران منصوریان، کدهای توصیفی استخراج شد. ویژگی‌های استخراج شده از مصاحبه‌ی خواهران، به سه سطح ویژگی‌های شخصیتی درون فردی (استحکام ذهنی، خود کار آمدی و خود مختاری)، ویژگی‌های شخصیتی بین فردی (فضائل اخلاقی ارتباطی ظرفیت پذیرش - تفاوت‌های فرهنگی و مالی) و استراتژی‌های بهبود عملکرد (هدفمندی، تلقین پذیری مثبت انگیزش - های درونی و بیرونی) دسته‌بندی شد. نتایج نشان می‌دهد که ضربه‌های روانی، سختی‌ها و مشقت‌ها به عنوان کاتالیزوری برای رشد و پیشرفت خواهران منصوریان عمل نموده‌است.

واژه های کلیدی: ورزشکاران سطح جهانی، رشد، مشقت، اراده.

^۱ دانشجوی دکتری رفتار حرکتی، دانشکده‌ی تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

^۲ دانشیار رفتار حرکتی، دانشکده‌ی تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

^۳ دانشیار رفتار حرکتی، دانشکده‌ی تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

^۴ دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی، دانشکده‌ی تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

مقدمه

یکی از جاذبه‌های پژوهشی در حیطه‌های مختلف این است که چه عواملی باعث می‌شود، یک نفر به مرحله‌ای برسد که ابرنخبه باشد. به عبارت دیگر، واقعاً متفاوت باشد (Hardy, Barlow, Evans, 2017). پژوهشگران برای یافتن پاسخ این سؤال، مطالعات مختلفی را انجام داده‌اند. این مطالعات یک سیر تکاملی از برجسته کردن طبیعت (ذات)، تربیت و یا هر دو را طی کرده است. اولین مطالعاتی که به شناسایی عوامل مؤثر بر ابرنخبه شدن پرداختند، اهمیت استعداد را برجسته کردند و اذعان داشتند که تفاوت افراد ماهر و بسیار ماهر در توانایی‌های ذاتی آن‌هاست (Starkes, 2000). بر همین اساس، پژوهش‌گران به شناسایی توانایی‌های پایه‌ی هر مهارت، علاقه‌مند شدند تا بدین شیوه بتوانند قدمی در راه شناسایی استعداد بردارند (Vaez Mousavi & Mosayebi, 2007). بعد از چند دهه، پژوهش‌های استعدادیابی به بن‌بست رسیدند و متخصصان ابراز کردند که یافتن استعداد مثل پیدا کردن سوزن در انبار کاه است و انرژی، هزینه و زمان زیادی را نیاز دارد (Martindale et al, 2010). همین‌طور اذعان داشتند که کمبود ابزارهای سنجش معتبر برای شناسایی توانایی‌های شناختی، جسمی و روانی، این راه را دشوار کرده است (Vaez Mousavi & Mosayebi, 2007). بر همین اساس گروه دیگری از متخصصان بیان کردند که به جای استعدادیابی که فرایندی نفی‌س‌گیر است، بهتر است ویژگی‌های مؤثر در محیط‌های موفق پرورش استعداد را واکاوی کنیم؛ بدین‌گونه حداقل می‌دانیم که برای پرورش افرادی که تحت نظارت ما هستند، چه شرایطی را فراهم کنیم تا استعدادهای بالقوه‌ی آن‌ها شکوفا شود و به اعتقاد آن‌ها از بین افرادی که تحت نظارت‌مان هستند، ستارگان شناخته خواهند شد (Li, Wang, Côté, 1999; Pyun & Martindale, 2015). نهایتاً تعداد دیگری از متخصصان بیان کردند که پرداختن صرف به محیط پرورش استعداد و نادیده گرفتن استعدادیابی اشتباه محض است و هر دو مورد باید در نظر گرفته شود (Gruber, 2010).

در مطالعه‌ی حاضر قرار نیست که به حل اختلاف بین متخصصان و پژوهش‌گران در ارتباط با برتری طبیعت یا تربیت بپردازیم. در این مطالعه قرار است ویژگی‌های شخصیتی و استراتژی‌های عملکردی که باعث موفق شدن برخی از افراد شده را واکاوی کنیم. این ایده از این خلأ نشأت می‌گیرد که اکثر مطالعاتی که به بررسی ویژگی‌های شخصیتی و مهارت‌های روانی افراد نخبه و ابر نخبه پرداخته‌اند، به مقایسه‌ی ویژگی‌های آن‌ها با استفاده از پرسش‌نامه‌های مشخص پرداخته‌اند. این در حالی است که هنوز یک خلأ اطلاعاتی در پژوهش‌ها وجود دارد. منشأ احساس این خلأ از پژوهش‌های هاردی و همکاران (۲۰۱۷) نشأت می‌گیرد. هاردی و همکاران (۲۰۱۷) با مصاحبه با ورزشکاران المپیک، به صورت غیرمنتظره متوجه شدند که بسیاری از قهرمانان مشقت‌هایی را در

دوران زندگی متحمل شده‌اند و همین مشقت‌ها عاملی برای رشدشان بوده‌است. به عبارت دیگر، اکثر ورزشکارانی که هاردی و همکاران (۲۰۱۷) با آن‌ها مصاحبه داشتند، اشاره کردند که ضربه‌های روانی که از بی‌پولی، طلاق والدین، مرگ یکی از عزیزان (Green, McLaughlin, Berglund, Gruber, Sampson, Zaslavsky & Kessler, 2010) و انتخاب نشدن مکرر برای تیم ورزشی در زندگی شخصی و ورزشی دیده‌اند باعث شده که آن‌ها مثل فولاد آبدیده شوند و عزم و اراده‌شان برای رسیدن به هدف افزایش یابد.

(MacNamara, Button & Collins, 2010; quoted by Hardy et al, 2017). این مطالعه، تحولی در پژوهش‌های مربوط به ویژگی‌های ابرنخبه‌ها ایجاد کرد. به گونه‌ای که سمت و سوی پژوهش‌ها را به سوی شناسایی زمان‌های بحرانی که دیدن سختی و مشقت مفید است، مدت مشقت و شدت آن معطوف کرد (Green et al, 2010). اگرچه، پژوهش‌ها در این زمینه نوظاست و برای ایجاد بینشی عمیق باید پژوهش‌های پیش‌تری انجام گیرد، اما این نکته نباید فراموش شود که رشد پس از مشقت و ضربه‌های روانی به این مفهوم نیست که مربیان و مسئولین برای رشد بیش‌تر ورزشکاران به آن‌ها ضربه‌ی روانی وارد کنند، بلکه منظور این است که واضح کنیم در جایی که مشقت و ضربه‌های روانی باعث درهم شکستگی و فروریختن عده‌ای می‌شود، عده‌ای دیگر از این مشقت‌ها برای رشد بیش‌ترشان استفاده می‌کنند و سختی‌ها کاتالیزوری برای رشدشان می‌شود (Gucciardi, 2017; Howle & Eklund 2017). در کشور ایران، افرادی که از مشقت‌ها و ضربه‌های روانی پلی برای موفقیت ساخته‌اند، کم نیستند. از این نمونه می‌توان به استاد شه‌ریار اشاره کرد. زمانی که شه‌ریار برای خواندن درس پزشکی به تهران می‌آید، عاشق دختر صاحب خانه می‌شود. صحبتی بین مادران آن‌ها مطرح می‌شود و یک حالت نامزدی بوجود می‌آید. قرار می‌شود که شه‌ریار بعد از این که دکترای پزشکی را گرفت با دختر عروسی کند. شه‌ریار برای گذراندن دوره‌ی انترنی به خارج از تهران می‌رود و زمانی که باز می‌گردد متوجه می‌شود که دختر ازدواج کرده است. شه‌ریار دچار ضربه‌ی روانی می‌شود و حتی مدتی هم بستری می‌شود و در این دوران غزل‌های خوب شه‌ریار سروده می‌شوند. از این دسته افراد در حوزه‌ی ورزش جامعه‌ی ایرانی زیاد هستند، از جمله خواهران منصوریان. این سه خواهر برای اولین بار در تاریخ ورزش ایران، در یک رشته‌ی ورزشی و در یک تورنومنت توانستند به مدال قهرمانی دست یابند و حدود ۳۰ مدال قهرمانی جهانی و آسیایی در رشته‌ی ووشو کسب کنند. آن‌ها از زمانی که زندگی را درک کردند، در حال مبارزه با مشکلات بودند و توانستند مصائب و سختی‌های زندگی را پشت سر بگذارند و با برنامه‌ریزی و هدفمند کردن امور زندگی‌شان به موفقیت‌های بزرگی دست پیدا کنند. در کشورمان چه بسیار افرادی که شرایط مشابه با این خواهران را دارا هستند، لذا با توجه به این که این خواهران توانستند با موفقیت این مسیر را طی کنند،

شناسایی و شفاف‌سازی الگوهای چنین افرادی برای جامعه‌ی ایرانی ضرورت دارد. این پژوهش می‌تواند به افرادی که در چنین فرآیندی قرار گرفتند کمک شایانی کند تا بتوانند با وجود شرایط نامساعد، خود را ارتقا دهند. به عبارت دیگر چنین یافته‌هایی می‌تواند برای برنامه‌ریزی‌های آینده از جمله برای درک بهتر رویدادهای زیان‌بار در مسیر عملکردشان مفید واقع شوند. بر همین اساس هدف از مطالعه‌ی حاضر، تحلیل روایت مبنی بر مصاحبه‌های رسانه‌ای با خواهران منصوریان در برنامه‌ی ماه عسل^۱ و واکاوی ویژگی‌های شخصیتی و استراتژی‌های عملکردی خواهران منصوریان برای رسیدن از نقطه‌ی صفر به سکو در شرایط مشقت‌بار زندگی می‌باشد.

روش پژوهش

روش استفاده شده در این مقاله «تحلیل روایت» است. این روش که ذیل پارادایم تفسیری قرار می‌گیرد، یکی از روش‌های تحلیل متن است. متن روایی، متنی است که عامل یا راوی، داستانی را در قالب رسانه‌ای خاص مانند زبان، تصورات، صدا، ساختمان و ترکیبی از آن‌ها تعریف می‌کند و داستان به صورت مجموعه‌ای از رخدادها که به صورت منطقی و با توالی زمانی از سوی کنشگران ایجاد و یا تجربه می‌شود، بیان می‌شود. کنش‌گران عامل‌هایی هستند که کنش را اجرا می‌کنند. کنش به مقوله‌ی ایجاد کننده یا تجربه کننده‌ی یک رخداد معنا می‌شود (Aqababae & Khademolfogharaei, 2016).

اساس جامعه‌شناسی روایت بر این استوار است که داستان‌ها بخش زیربنایی شخصی و جمعی انسان‌ها را می‌سازند. جامعه‌شناسان به مطالعه‌ی روایت می‌پردازند تا به درک صحیحی از تجربه‌ها و الگوهای اساسی شکل دهنده‌ی تجارب و تفاسیر انسان از دنیای اجتماعی دست یابند. ساختارهای روایی در زمینه‌های اجتماعی و پیکربندی‌های فرهنگی موجودند و از آن‌ها ریشه می‌گیرند. جامعه‌شناسان با مطالعه‌ی این روایت‌ها از این ساختارها پرده برمی‌دارند و کشف می‌کنند که چگونه بعضی از این ساختارها در بازه‌ی زمانی خاصی پدیدار می‌مانند یا دستخوش تغییر می‌شوند (Ragheb, 2012). برای نیل به این منظور، از ابزارهای روشی داستان و گفتمان، کنش رخداد، شخصیت و راوی که در نظریه‌ی چتمن^۲ به آن اشاره شده است، استفاده می‌کنند. به نظر وی داستان شامل رخداد

^۱ ماه عسل یک برنامه‌ی زنده‌ی تلویزیونی با زمینه‌ی اجتماعی-معنوی و با حضور مهمان‌هایی از متن جامعه می‌باشد که از سال ۱۳۸۶ تا کنون هر سال ماه مبارک رمضان از شبکه‌ی سه سیما پخش می‌شود. مهمان‌های این برنامه غالباً مردم عادی جامعه هستند که توانسته‌اند در زندگی‌شان کار مهمی انجام بدهند یا حادثه‌ی مهمی در زندگیشان رخ داده‌است. اکثر مهمان‌های این برنامه با مشکلات زیادی دست و پنجه نرم کرده‌اند، اما همگی با امید، پشتکار و تلاش بر مشکلات غلبه کردند و به انسان‌های موفق‌تری در زندگی خودشان تبدیل شدند.

^۲ Chatman

(کنش و اتفاقات)، موجودات (شخصیت‌ها و محیط) و مردم، چیزها و ... به منزله محتوای رمزهای فرهنگی هستند؛ گفتمان متشکل از ساختار انتقال روایت و ابزارها و زبان رسانه‌ایی است (Aqababae & Khademolfogharaei, 2016). چارچوب روش این پژوهش در ذیل آمده‌است.

جدول ۱- چارچوب روشی

ابزار	توضیحات
داستان و گفتمان	داستان مجموعه‌ای از رخدادهاست که بر اساس توالی زمانی در پی هم اتفاق می‌افتند و گفتمان چگونگی قرار گرفتن این رخدادها در کنار هم است.
شخصیت	منظور از شخصیت در این پژوهش، تجربه‌ای از ویژگی‌ها، عناصر و جزئیاتی است که در کنش‌های بازیگران داستان بروز می‌یابد.
کنش	همه‌ی حالات و رفتارهای بازیگران داستان است که شامل کنش فیزیکی، محبت کردن، فکر کردن، احساسات و ادراکات می‌شود.
رخداد	اتفاق‌ها و وقایعی است که در توالی زمانی، موقعیت‌های داستان را می‌سازد و کارکردهایی هم‌چون پیشبرد داستان، ایجاد بحران و حل مسأله دارد.

الگوی چتمن مبنی بر الگوی کلاسیک تحلیل روایت است و به این نکته اشاره دارد که در تحلیل روایت، ابتدا باید شخصیت‌ها، کنش‌ها و رخدادها بررسی شود و سپس در سطحی بالاتر به بررسی سوژه پرداخت (Aqababae & Khademolfogharaei, 2016).

برای فهم بهتر چگونگی انجام دادن این پژوهش، مصاحبه‌ی رسانه‌ای خواهران منصوریان در برنامه‌ی ماه عسل در مورخ ۹۶/۳/۱۱ و ۹۶/۳/۱۲، تشریح می‌شود، در ادامه به منظور جمع آوری اطلاعات تکمیلی در جهت کسب آگاهی بیشتر از عقاید، افکار و نظرات موردهای پژوهش نسبت به روند زندگی‌شان، از مصاحبه‌های فردی نیم‌ساختاریافته مدد گرفته شد. در ابتدا، داستان و شخصیت‌های آن بازگو می‌شود. سپس رخدادهای آن به تفکیک توضیح داده می‌شود و با جدولی در انتهای آن، کنش‌ها، شکل روایت، راوی و رخدادها به آن افزوده می‌شود. در نهایت متناسب با رخدادها، کنش‌ها و راوی، شکل روابط درونی و بیرونی اعضای خانواده منصوریان مشخص می‌شود.

نمونه

نمونه آماری این مطالعه، مصاحبه‌های رسانه‌ای با خواهران منصوریان در برنامه‌ی ماه عسل در مورخ ۹۶/۳/۱۱ و ۹۶/۳/۱۲ و مصاحبه‌های فردی با موردهای پژوهش (در جهت تکمیل اطلاعات مصاحبه‌ی رسانه‌ای) بوده است. نمونه‌گیری در پژوهش حاضر، نمونه‌گیری متوالی از نوع نظری نام دارد. این نوع نمونه‌گیری نوع خاصی از نمونه‌گیری هدف‌مند است که در آن پژوهش‌گر از رویدادها،

افراد یا واحدها بر مبنای سهم بالقوه‌ی آن‌ها در توسعه و آزمون سازه‌های نظری نمونه‌گیری می‌کند (Mohammadpour, 2013).

اعتبار سنجی

برای دست‌یابی به اعتبار پژوهش در این مطالعه، از روش دسترسی به داده‌ها و انتقال‌پذیری اظهار شده از سوی هابرم^۱ و تأثیرپذیری لینکلن^۲ و کوبا^۳ استفاده شده است (Aqababae & Khademolfogharaei, 2016). در رابطه با دسترسی به داده‌ها، هابرم به این مسأله اشاره می‌کند که لازم است برای خواننده دسترسی به داده‌ها فراهم شود تا آن‌ها بتوانند به راحتی رد داده‌ها را به عقب دنبال کنند (Aqababae & Khademolfogharaei, 2016). به عبارت دیگر، از آن جایی که مصاحبه‌های رسانه‌ایی در دسترس مخاطبین هست و آن‌ها می‌توانند ببینند و خودشان قضاوت کنند که داده‌های ما مبتنی بر واقعیت مصاحبه‌ها هست یا نه. هم‌چنین، توصیف ابزارهای پژوهش (کنش-ها، شخصیت‌ها و راوی) که تأییدپذیری پژوهش را به همراه دارد، به شکل دقیق و جزئی انجام گرفته است که علاوه بر تأثیرپذیری به انتقال‌پذیری و کاربرد آن برای پژوهش‌های آتی منجر می‌شود. برای باورپذیرتر شدن یافته‌ها به ذهن خود بسنده نکرده و در بخش کدهای اولیه و توصیفی از پژوهشگرانی که با حوزه‌ی این مطالعه آشنایی داشته‌اند، کمک گرفته شده است.

داستان مصاحبه

ماه عسل یک برنامه‌ی زنده‌ی تلویزیونی با زمینه‌ی اجتماعی-معنوی و با حضور مهمان‌هایی از متن جامعه می‌باشد، که از سال ۱۳۸۶ تاکنون هر سال، قبل از افطار ماه مبارک رمضان، از شبکه‌ی سه سیما پخش می‌شود. ایده‌ی اولیه‌ی این برنامه متعلق به احسان علیخانی و از سال ۱۳۸۶ متولد شد. مهمان‌های این برنامه غالباً مردم عادی جامعه هستند که توانسته‌اند در زندگی‌شان کار مهمی انجام بدهند یا در زندگی افراد دیگر تأثیرگذار بوده‌اند یا حادثه‌ی مهمی در زندگی‌شان رخ داده‌است. اکثر مهمان‌های ماه عسل در زندگی خود با مشکلات زیادی دست و پنجه نرم کرده‌اند. اما همگی با امید، پشتکار و تلاش و مبارزه بر مشکلات غلبه کرده و به انسان‌های موفق‌تری در زندگی خود تبدیل شده‌اند. برنامه‌ی ماه عسل در یازدهم و دوازدهم خرداد ماه ۱۳۹۶، میزبان خواهران قهرمان منصوریان (شهربانو، سهیلا و الهه) بود. خواهران قهرمان منصوریان با حضور در برنامه‌ی ماه عسل و در گفتگو با احسان علیخانی، از گذشته‌ی تلخ‌شان گفتند. آن‌ها اشاره کردند به این که پدر این

¹ Hoberman

² Lincoln

³ coba

خانواده، همسر و فرزندان خود را در شهر سمیرم در هنگام سختی‌ها ترک کرد، به‌همین دلیل شهربانو و سهیلا برای آرام‌تر شدن شرایط خانواده، مجبور به مهاجرت شدند. تا این‌که وقتی شهربانو ۲۰ ساله و ورزشکار شده بود، نزد خانواده بازگشت و بسیاری از آموخته‌های ووشوی خود را به الهه یاد داد و هم‌چنین سهیلا تحت نظر الهه ووشو را فرا گرفت؛ تا این‌که خواهران قهرمان منصوریان توانستند در زمینه‌ی ورزش به جایگاه قابل توجهی برسند و علاوه بر فعالیت در تیم ملی در رده‌ی جهانی نیز هر یک دارای مدال‌های زیادی کسب کنند و روند موفقیت‌آمیز فعالیت‌های ورزشی آنان هم‌چنان ادامه دارد که برای ایران و ایرانیان یک افتخار به شمار می‌روند.

تحلیل درون متنی

شهربانو به عنوان خواهر بزرگتر قهرمان و شخصیت اول روایت:

شهربانو در سال ۱۳۶۴ در شهرستان سمیرم استان اصفهان متولد شد. وی حدود ۲۰ سال است که در ووشو فعالیت دارد و تا به حال افتخارات زیادی را در رشته ووشو به‌دست آورده‌است. شهربانو درست از همان عنفوان کودکی به عنوان کمک کار پدر در مزارع اجاره‌ای مشغول به فعالیت شد تا جایی که از پدر خواست که از ادامه تحصیل انصراف دهد و در کنار پدرش برای امرار معاش خانواده فعالیت کند که با مخالفت پدر روبرو شد. در این شرایط به‌دلیل تمرکز و توجه شهربانو به وضعیت اقتصادی خانواده و کمک به پدر برای رفع مشکلات خانوادگی، نحوه‌ی حضورش در مدرسه چندان برایش مهم نبود تا جایی که از کش و پلاستیک به عنوان کیف مدرسه استفاده می‌نمود. حتی هنگام برگشت از مدرسه بلافاصله به مزرعه بازمی‌گشت و ناهار را با پدرش میل می‌نمود. شب‌ها هنگام برگشت از مزرعه دست‌هایش تاول زده و مادرش تا صبح خارها را از دستش خارج می‌نمود و جهت سفت شدن دست‌هایش حنا می‌گذاشت. هم‌چنین در زمانی که پدرش برای شام عروسی دختر بزرگش برای خرید مرغ، دچار مشکل شده بود و فروشنده به خاطر اعتبار بد پدر حاضر به فروش مرغ به‌صورت نسیه نشده بود، شهربانو با اعتبار خود و قولی که به فروشنده داد مبنی بر پرداخت صورت‌حساب، آبروی پدرش را در شب عروسی خواهر بزرگترش خرید. شهربانو برای حفظ اعتبار و آبروی خودش مجبور شد چند برابر گذشته کار کند تا بتواند در موعد مقرر پول فروشنده را پرداخت کند.

او زمان‌های اندکی را که برای اوقات فراغت داشت به دیدن فیلم‌های رزمی به ویژه فیلم‌های بروسلی اختصاص می‌داد. تنها و مهم‌ترین آرزوی شهربانو داشتن اسبی بود که حتی آن را نقاشی

کرده و به دیوار چسبانده بود و هم‌چنین تنها روز تفریح خانواده در سال و تنها دلخوشی او، رفتن به سیزده بدر به مکان شاه‌جعفر، به اتفاق خانواده بود که به دلیل مسافت طولانی و نداشتن وسیله‌ی نقلیه به گذر این روز در کنار باغچه‌ی منزل‌شان اکتفا می‌کردند.

مسئولیت‌پذیری شهربانو باعث شد، هنگامی که پدر، خانه و خانواده را به دلیل بار مشکلات ترک کرد، شهربانو هم مدرسه را رها و به قصد امرار معاش در سن ۱۱-۱۲ سالگی به شیراز سفر کرد و اولین ارتباط بین فردی را با دیگران به غیر از خانواده‌ی خود، تجربه نمود. او برخلاف سن کمی که داشت، در خانواده‌ای مرفه مسئولیت سنگین خانه‌داری و پرستاری را به عهده گرفت و تمام درآمد خود را برای خانواده خود در سمیرم ارسال می‌کرد. او توانست فضای اعتماد را بین خود و صاحب‌خانه ایجاد کند تا جایی که به پیشنهاد خودمختارانه‌ی او مینی بر حضورش در کلاس‌های رزمی باشگاه پاسخ مثبت دادند و این اقدام بستری برای قرار گرفتن او در مسیر ورزش رزمی بود. بعد از ۶-۵ سال کار کردن شهربانو در شیراز، درحالی‌که او یک ورزشکار شده بود، دوباره به سمیرم برگشت و هدفمند بودن شهربانو به قدری بود که با پس‌اندازی که کرده بود برای امرار معاش خانواده، هرچند که برخلاف فرهنگ و عرف شهر سمیرم بود، یک اسب خرید و با کرایه دادن آن در کنار آبشار کسب درآمد می‌کرد؛ چرا که قضاوت‌های ناکارآمد دیگران برایش اهمیت نداشت و هم‌زمان به درخواست خواهرش (الهه) و با پس‌اندازی که مادرش برای کلاس‌های رزمی آن‌ها کنار گذاشته بود، رفتن به کلاس ووشو را در اصفهان آغاز کردند. هرچند که هم‌چنان شرایط اقتصادی حالت بحرانی داشت، ولی پشتکار و مثبت‌اندیشی نسبت به موفقیت مانع از ناامیدی آن‌ها نشد.

جدول ۲- مؤلفه‌های متن در رابطه با شخصیت شهربانو

نگاه کلی راوی	کد اولیه	مؤلفه های متن
استحکام ذهنی	تعهد	سرسختی، سخت کوشی، مسئولیت- پذیری، پذیرش کار سخت
	کنترل	گشودگی به تجربه
	مبارزه‌جویی	مثبت اندیشی نسبت به تجارب
شهربانو به مثابه فردی مثبت اندیش و الگوی مسیولیت پذیری، سخت کوشی، اراده و تعهد	خودکارآمدی	الگو برداری از مراجع موفق کسب تجربیات موفق متعدد
	فضایل اخلاقی ارتباطی	بخشنده، معتمد
	ظرفیت پذیرش تفاوت‌های فرهنگی و مالی	عدم توجه به قضاوت ناکارآمد تطابق پذیری،
شخصیت شهربانو	هدفمندی	هدف گذاری، اولویت بندی اهداف،
	تلقین پذیری مثبت	استفاده از تابلوی آرزوها تأمین نیازهای مادی- مالی خانواده پذیرش نقش پدر در خانواده خودمختاری
	انگیزش درونی	پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تالار معنای انسانی
رشد		ترک کردن خانه توسط پدر سفر کردن به شیراز یاد گرفتن ووشو برگشت به سمیرم خرید اسب
		فشار زندگی و طلبکاران امرار معاش خانواده بستر ورود به ورزش ووشو کسب درآمد برای خود و خانواده کسب درآمد و مواجه شدن با همسر آینده
	کنش	

درون فردی

باز فردی

بهبود عملکرد
واسطه‌های

سهیلا به عنوان خواهر دوم قهرمان و شخصیت دوم روایت

سهیلا در سال ۱۳۶۷ در شهرستان سمیرم استان اصفهان متولد شد. او وابستگی شدیدی به پدر و مادرش داشت و در کودکی هرچند که سن کمی داشت به همراه پدر و خواهرانش به مزرعه می‌رفت. او دختر بلندپروازی بود و خیلی آرزوها داشت که با رفتن پدر زندگی برایش فوق‌العاده سخت شد و با رفتن شهربانو این سختی دوچندان شد. بزرگ‌ترین آرزوی سهیلا، برگشت پدرش به خانواده و جمع شدن همه‌ی اعضای خانواده به دور هم بود؛ به گونه‌ای که این آرزو را به تصویر کشیده بود. بدین شکل که خودش را در کنار پدرش نقاشی کرده و بالای صفحه نوشته بود سهیلا و بابا.

حدود دو سال از رفتن شهربانو گذشته بود که سهیلا هم به خاطر شرایط سخت اقتصادی از جمله نداشتن چیزی برای خوردن و پوشیدن و نداشتن خرج تحصیل به همراه خانواده‌ی دوست پدرش که دختری هم سن او داشتند، سمیرم را به قصد اصفهان ترک کرد. تا هم با حذف خود از خانه شرایط را برای بقیه‌ی اعضای خانواده کمی بهتر کند و هم در یک شرایط خوب تحصیلش را ادامه دهد. در اصفهان یک اتاق پر از عروسک در اختیارش قرار دادند؛ ولی حس نوع‌دوستی و دلبستگی او باعث شد که هیچ وقت لذت استفاده از این اتاق و شرایط را به طور عمیق حس نکند. او زمانی به خانه بازگشت که خواهران او در صحنه‌های بین‌المللی، حائز مدال و رتبه در ووشو شده بودند. همین موضوع انگیزه‌ای برای سهیلا شد تا او نیز همانند خواهرانش ووشو را آغاز کند. تلاش‌های خواهرانش برای آموزش او و جدیت سهیلا در تمرینات باعث شد که او نیز موفق به کسب مدال در رشته ووشو شود. تاجایی که توانست در همان سال در مسابقات کشوری مقام سوم را کسب کند و در سال بعد مدال طلای بازی‌های مالزی را کسب کند.

در حال حاضر نیز خصلت بخشندگی سهیلا به خاطر پرداخت سی درصد از قرارداد لیگ چین به کودکانی که پدر و مادر خود را در زلزله‌ی کرمانشاه از دست داده بودند، به همه‌ی مردم ثابت شد.

جدول ۳- مؤلفه‌های متن در رابطه با شخصیت سهیلا

مؤلفه های متن	کد اولیه	نگاه کلی راوی
درون فردی	مقابله با مصائب در جهت بهبود شرایط فردی	مبارزه- جویی
زیر فردی	الگو برداری از خواهران بزرگتر	خودکارآمدی
	گذشت و بخشندگی، نوع دوستی	فضایل اخلاقی ارتباطی
	هدف گذاری	هدفمندی
تهدید عملکردی واسطه های	استفاده از تابلوی آرزوها بلندپردازی (رویاپردازی) امید داشتن به آینده بهتر	تلقین پذیری مثبت
رخداد	ترک کردن خانه توسط پدر مهاجرت شهربانو به شیراز مهاجرت سهیلا به اصفهان الگو پذیری سهیلا از موفقیت ورزشی خواهران برگشت او به سمیرم	
کنش	فشار زندگی و طلبکاران تأمین معاش خانواده کمک به کاهش هزینه‌های خانه و ادامه‌ی تحصیل علاقمند شدن سهیلا به ورزش ووشو و شروع تمرینات حرفه‌ای‌اش	

سهیلا به مثابه فردی بخشنده، بلندپرواز و امیدوار

الهه به عنوان خواهر سوم قهرمان و شخصیت سوم روایت

الهه در سال ۱۳۷۰ در شهرستان سمیرم استان اصفهان متولد شد. الهه همیشه با پدرش و همراه دیگر خواهرانش به مزرعه می رفت. هرچند به خاطر سن کم نمی توانست کار آن چنانی انجام دهد، ولی همیشه در کنار آنها بود و هرکاری از دستش برمی آمد انجام می داد. الهه ۷ سالش بود که پدر خانواده را ترک کرد و به دلیل علاقه‌ی بیش از حد به پدرش همیشه این سؤال را در ذهن خود داشت که پدر برای چی رفت؟ ما که چیزی از پدر نخواستیم بودیم و فقط حضورش در خانواده کافی بود. به دنبال رفتن پدر، شهربانو و سهیلا هم رفتند و او تنها شد. خیلی برایش سخت بود. تنها شدن در خانه‌ای که اعضای آن دلبستگی زیادی به هم داشتند و عاشق هم بودند. و حالا او ماند و یک مادر ناتوان و ناله‌ها و لالایی‌های مادر در فراق دخترانش.

تنها سرگرمی الهه در خانه، دیدن فیلم‌های بروسلی بود و در بچگی آرزو داشت روزی به چین برود و رازهای کونگ‌فو و ووشو را از آنها یاد بگیرد و به شهربانو بگوید. و هم‌چنین همیشه خود را در جایگاه مقام اول نقاشی می کرد و به دیوار می چسباند و هنوز هم که بزرگ‌تر شده است، آرزوهای خود را نقاشی می کند.

با برگشت شهربانو به سمیرم مثل این که خدا دنیا را به الهه داده بود و با شهربانو که تجاری در ووشو داشت و به نوعی ورزشکار شده بود، ووشو را شروع کرد و چون سمیرم شهر کوچکی بود و کسی دخترها را به باشگاه نمی فرستاد، تصمیم گرفتند که به اصفهان بروند و با یک مربی خوب تمرین کنند. این در شرایطی بود که اوضاع اقتصادی مناسبی نداشتند و هرگز مایل به افشای مشکلاتی که با آن دست و پنجه نرم می کردند، نبودند. تا جایی که تنها یک دست لباس مخصوص ووشو خریداری کردند و زمانی که مربی بر روی داشتن لباس مخصوص هنگام تمرین تأکید می کرد، تنها یکی از دو خواهر می توانست تمرین کند و بعد از تمرین در پارک به خواهر دیگر آموزش دهد. در نهایت الهه به اولین اردوی تیم ملی اعزام شد و ۹۰۰ هزار تومان جایزه دریافت کرد و کل این جایزه را برای هزینه‌های خانه به مادرش داد و اولین سرمایه‌ی زندگی‌شان همان ۹۰۰ هزار تومان شد. پس شروع کرد به سخت تمرین کردن برای مسابقات بعدی. چون که حالا او هدفمند شده بود و خود را نسبت به بهبود زندگی خانواده به ویژه مادرش مسئول می دانست.

او به جای خانه‌ای که مادرش برای ادای قرض بدهکاران فروخته بود، خانه‌ای بزرگ‌تر، بهتر و با امکانات در سمیرم برای مادرش تهیه کرد و به صاحب‌خانه قول داد با جایزه‌ی مسابقه‌ی بعدی بقیه‌ی پول آن را پرداخت کند. الهه به دلیل تعهدی که به خانواده داشت و عشق به مادر و خانواده، هنگام مسابقه درحالی که ضربه به صورت او خورد و بینی و گونه‌ی او شکست و چشمش بسته شد، دست از تلاش نکشید و خون داخل دهانش را فرو می داد که داور متوجه خونریزی نشود و بازی را

جدول ۴- مؤلفه‌های متن در رابطه با شخصیت الهه

نگاه کلی راوی	کد اولیه	مؤلفه های متن	
استحکام ذهنی	تعهد	مسئولیت نسبت به نیازهای خانوادگی، سخت کوشی در ورزش، پایبندی به آرزوها	توانمندی
	مبارزه-جویی	درک و پذیرش احساسات دیگران در شرایط سخت توانایی حفظ و بازیابی تمرکز	
	خودکارآمدی	الگو برداری از شهربانو توانایی تصمیم‌گیری بهینه توانایی مدیریت زندگی	
		حس خرسندی نسبت به موفقیت دیگران	
الهی به مثابه فردی مسئولیت پذیر، فداکار، آرزومند و مصمم در رسیدن به اهداف	فضایل اخلاقی ارتباطی	ایجاد و حفظ مطلوبی از اعتماد به نفس بخشنده، قناعت پیشه، فداکار، عدالت‌مداری، حفظ اعتبار	توانمندی
	ظرفیبت پذیرش تفاوت‌های فرهنگی و مالی	تطابق پذیری، محرمانه نگه داشتن مسائل خانوادگی	
	هدفمندی	اولویت بندی نیازها نادیده گرفتن نیازهای شخصی کنترل حس دل‌بستگی	
	تلقین پذیر مثبت	آرزومند بودن استفاده از تابلوی آرزوها	تعمیر و نگهداری
انگیزش درونی و بیرونی	تأمین نیازهای مادی-مالی خانواده رضایت خانواده از شرایط پاداش مالی		
	-ترک کردن خانه توسط پدر -مهاجرت شهربانو به شیراز و سهیلا به اصفهان	رخداد	
	-برگشت شهربانو به سمیرم و ایجاد انگیزه در الهه برای یادگیری ووشو -اعزام الهه به اردوی تیم ملی		
		فشار زندگی و طلبکاران امرار معاش و کمک به کاهش هزینه‌های خانه	کنش
		بستر ورود به ورزش ووشو دریافت جایزه نقدی به عنوان سرمایه نخستین خانواده	

لغو نکند. او در آن لحظه فقط به فکر پرداخت پول خانه و شادی مادرش و گریه‌های او بود. در پایان بر حریف غلبه و مدال طلا را از آن خود کرد ولی به دلیل حال وخیمی که داشت، مدالش را در بیمارستان بر گردنش آویختند.

الهی به آرزوی خود در دوران کودکی رسید و شرایط زندگی خوبی را برای خود و خانواده‌اش رقم زد؛ ولی همیشه می‌گوید که ای کاش بازیکن تیم ملی نبودم ولی در همان شرایط زندگی در کنار پدر بودیم، به مزرعه می‌رفتیم و با هم کار می‌کردیم؛ چون که دخترها بابائیند.

بحث و نتیجه‌گیری

در ورزش گاهی شاهد هستیم که ورزشکارانی که در سطوح ملی و بین‌المللی مدال کسب کرده‌اند زندگی پر فراز و نشیبی را طی کرده‌اند. گویا مشقت در زندگی باعث شده که آن‌ها استوارتر در جهت رشد و کمال‌شان گام بردارند. خواهران منصوریان نمونه‌ای از این ورزشکاران هستند. به نظر می‌رسد که مشقت‌های زندگی باعث رشد و ارتقاء برخی از ویژگی‌های شخصیتی مثبت درون فردی (استحکام ذهنی، خود مختاری)، بین‌فردی (فضائل اخلاقی ارتباطی، دلبستگی ایمن و ظرفیت پذیرش تفاوت‌های فرهنگی و مالی) و هم‌چنین اتخاذ برخی از استراتژی‌ها (هدف‌مندی، تلقین‌پذیری مثبت و انگیزش درونی)، باعث دستیابی آن‌ها به سطوح بالای رقابت شده است.

بر اساس تحلیل متن برنامه‌ی ماه عسل، سه مضمون تعهد، مبارزه‌جویی و کنترل استخراج شد. بر اساس نظر کوباسا این مضمون مفهوم استحکام ذهنی را شکل می‌دهند. در مبانی نظری، استحکام ذهنی به عنوان توانایی مقابله با فشار و سختی‌ها، عبور از موانع و شکست‌ها تمرکز بر هدف، حفظ و کسب آرامش پس از شکست و اجرای با ثبات تعریف شده‌است. به عبارت دیگر استحکام ذهنی، پشتکار مداوم و اعتقاد راسخ به سوی برخی از اهداف علی‌رغم شدت و فشار تعریف شده‌است (Sabzealizade, 2014).

ساختار شخصیتی استحکام ذهنی متشکل از سه مؤلفه‌ی تعهد، کنترل و مبارزه‌جویی است. باور تعهد به تمایلی برمی‌گردد که فرد به‌طور عمیق درگیر انجام کاری می‌شود. افراد متعهد کمتر در موقعیت‌های پرفشار دست از کار برمی‌دارند. کنترل، اعتقادی است که رویدادهای زندگی و پیامدهای آن‌ها قابل پیش‌بینی و کنترل در نظر گرفته می‌شود. فرد دارای احساس کنترل به تلاش و عمل بیش از شأن اهمیت می‌دهد و به این باور است که با تلاش خود می‌تواند آن‌چه را که در اطرافش رخ می‌دهد، مدیریت کند. مبارزه‌جویی، باوری است که تغییرهای زندگی، طبیعی تلقی شده و ادراک مثبتی از آن استنباط می‌شود (Sabzealizade, 2014). براساس شواهد پژوهشی، ورزشکارانی که در

سطوح بالای رقابتی، رقابت می‌کنند، استحکام روانی بالاتری نسبت به ورزشکارانی که در سطوح پایین‌تر، رقابت می‌کنند، دارند (Gucciardi, 2017).

در ارتباط با مضامین استحکام ذهنی زندگی غیر ورزشی خواهران منصوریان می‌توان به رفتن یکی از خواهران به شیراز در ۱۲ سالگی برای کار کردن و ارسال حقوق خود برای تأمین هزینه‌های زندگی خانواده اشاره کرد. هم‌چنین الهه در مسابقات جهانی مالزی، برخلاف آسیب‌های جدی که بر صورتش وارد شده بود، از لغو شدن مسابقه ممانعت به عمل آورد و با حریف خود مواجه شد و خون داخل دهانش را فرو می‌خورد تا تا داورها متوجه نشوند، چرا که به پاداش این مسابقه جهت پرداخت قسط خانه‌ای که برای مادرش تهیه کرده بود، نیاز داشت.

در ارتباط با مضمون تعهد می‌توان به کار کردن سخت هر سه خواهر در مزرعه کنار پدر و همین‌طور کار کردن یکی از خواهران در یک خانواده مرفه در خارج از محل زندگی و تقبل مسئولیت‌های سنگین خانه‌داری و پرستاری در سنین کودکی اشاره کرد. در ارتباط با مضمون کنترل و مبارزه‌جویی می‌توان به مصداق‌های غیرورزشی خواهران از جمله رفتن سهیلا به اصفهان، رفتن شهربانو به شیراز و تحمل درد فراق خواهران در الهه بازنمایی نمود؛ چرا که این تغییر در زندگی آن‌ها باعث در هم شکستن آن‌ها نشد و هرکدام، از تغییرات به‌وجود آمده در زندگی‌شان، برای دستیابی به اهداف بالاتر، پله‌ای ساختند. مصداق ورزشی کنترل و مبارزه‌جویی را می‌توان به وضوح در زندگی ورزشی شهربانو مشاهده کرد. با این‌که شهربانو در شیراز به باشگاه نزدیک منزل برای ورزش می‌رفت و خانواده‌ای که او برایشان کار می‌کرد، شرایط را برای رفتن او به باشگاه فراهم نموده بودند، اما با جدا شدن شهربانو از این خانواده، عملاً رفتن او به کلاس‌های ووشو در سمیرم به دلیل نبود کلاس‌های رزمی برای دختران امکان‌پذیر نبود. ولیکن او باز هم دست از تلاش برنداشت با محدودیت‌های فرهنگی و مالی و در شرایط سخت، برای ادامه‌ی ورزش ووشو به اصفهان رفت. رفتن او به اصفهان تغییر مثبت و گامی بلند برای پیشرفت و یادگیری خودش و خواهرانش شد. به طور کلی وقتی محدودیت‌ها و فشارها مثبت تلقی شوند، افراد راهبردهای ابتکاری را به کار می‌گیرند، تا از این شرایط برای رسیدن به رشد و کمال استفاده کنند.

یکی دیگر از مضامین استخراج شده، خودکارآمدی است. خودکارآمدی، باور فرد به توانایی‌اش برای رسیدن به عملکردی خاص می‌باشد. از نظر باندورا، برای دستیابی به خودکارآمدی، دو عنصر عملکرد موفقیت‌آمیز و تجارب مشاهده‌ای ضروری می‌باشد. از نظر او، خودکارآمدی با کسب تجارب موفقیت‌آمیز افزایش می‌یابد. همین‌طور، مشاهده‌ی الگوهای موفق، با تقویت این احساس که آن کار قابلیت انجام دارد، خودکارآمدی را افزایش می‌دهد (Vaez Mousavi & Mosayebi, 2007).

در ارتباط با مضمون تجربه‌ی موفق می‌توان به مصداق‌های غیرورزشی در زندگی خواهران از جمله فائق آمدن آن‌ها در مواجهه با شرایط سخت زندگی و مشقات منتج از نیازهای اقتصادی و عاطفی از جمله کسب درآمد از کار در مزرعه، کار در خانه دیگران و کرایه دادن اسب توسط دست‌های کودکانه اشاره کرد. همین‌طور اگرچه ترک پدر باعث دل‌تنگی و دلخوری خواهران شد و ضربه‌ی روحی شدیدی به آن‌ها وارد کرد، اما سبب شد که آن‌ها در حمایت از مادر و خانواده، نقش پدر را به عهده بگیرند.

در ارتباط با مضمون تجربه‌ی موفق در زندگی ورزشی خواهران هم می‌توان به کسب مدال‌های متعدد در رشته‌ی ووشو اشاره کرد که آن‌ها را به خواهران افسانه‌ای ووشوی ایران مشهور کرد. در ارتباط با مضمون الگوبرداری از افراد موفق در زندگی ورزشکاری خواهران می‌توان به الگوبرداری خواهران از بروسی و همین‌طور الگوبرداری خواهر از خواهر اشاره کرد.

یکی دیگر از مضامین استخراج شده، فضائل اخلاقی ارتباطی است. این مضمون قناعت‌پیشگی، عدالت، بخشندگی و ... را در بر می‌گیرد. نمود بخشندگی در جزء جزء زندگی خواهران قابل مشاهده است. از قناعت‌پیشگی و معتمد بودن می‌توان به استفاده از کش و پلاستیک به عنوان کیف مدرسه و تقسیم لقمه‌ی نان و پنیر بین خواهران در مسیر رفتن به باشگاه تا بخشش اولین پاداش قهرمانی به مادر به عنوان نخستین سرمایه‌ی زندگی و بخشش ۳۰٪ از قرارداد چین به زلزله‌زدگان کرمانشاه اشاره کرد. در ارتباط با مضمون قدرت کاریزماتیک و حفظ اعتبار نیز می‌توان به اعتمادکردن مرغ-فروش به قول کودکانه‌ی شهربانو برای پرداخت هزینه‌ی مرغ عروسی خواهرش اشاره کرد.

در زندگی ورزشی، مصادیق فضایل اخلاقی ارتباطی را می‌توان در عدالت‌محوری خواهران برای حضور در باشگاه مشاهده کرد. آن‌جا که دو خواهر برای شرکت در کلاس‌های ووشو با محدودیت لباس مواجه بودند و مربی از حضور آن‌ها بدون لباس ووشو در تمرینات ممانعت می‌کرد. در این مواقع، یکی از خواهران از شرکت در تمرینات گذشت می‌کرد و خواهر دیگر برای جبران لطف، تک تک تمرینات را به خاطر می‌سپرد و بدون کم و کاستی آن‌ها را به خواهرش می‌آموخت. مصداق دیگر فضایل اخلاقی در زندگی ورزشکاری، تلاش الهه برای حفظ اعتبار است؛ آن‌جایی که از جانش گذشت تا با مدال‌آوری بتواند پاداش آن را برای پرداخت قسط خانه هزینه کند.

مضمون دیگری که در ارتباط با ویژگی‌های شخصیتی بین فردی از مصاحبه‌ی تلویزیونی استخراج شد، ظرفیت پذیرش تفاوت‌های فرهنگی و مالی بود. از مصادیق این مضمون می‌توان به درک پذیرش تفاوت‌های مالی و فرهنگی بین خانواده‌ها توسط شهربانو، زمانی که در خانواده‌ی دیگری مشغول به کار بود، اشاره کرد. همین‌طور بی‌توجهی شهربانو نسبت به قضاوت‌های مردم در مورد دختری که برخلاف عرف محیطی به کرایه دادن اسب مشغول می‌شود و یا برخلاف عرف

محیطی به کلاس‌های رزمی می‌رود و با تشویق خواهرانش در همان محیط به خواهران افسانه‌ای ووشو مشهور می‌شوند از مصادیق دیگر این مضمون است.

همان‌طور که قبلاً اشاره شد علاوه بر ویژگی‌های شخصیتی که در دو سطح درون فردی (استحکام ذهنی و خودکارآمدی) و بین فردی (فضایل اخلاقی ارتباطی و ظرفیت پذیرش تفاوت‌های فرهنگی و مالی) استخراج شد. تعدادی از مفاهیم که استراتژی‌های بهبود عملکرد (هدفمندی، تلقین پذیری مثبت و انگیزش درونی) نام گرفتند نیز استخراج شد که در ذیل به آن‌ها اشاره شده است.

در مبانی نظری، هدف‌گذاری و اولویت‌بندی اهداف و خواسته‌ها به عنوان یکی از مهم‌ترین تکنیک‌های بهبود عملکرد شمرده شده است. به نحوی که سالملا هدف‌گزینی را به همراه دو مهارت تعهد و اعتماد به نفس (خودکارآمدی) پایه‌ی رسیدن به موفقیت ورزشی می‌داند و اذعان کرده است ورزشکارانی که سه مهارت هدف‌گزینی، تعهد و خودکارآمدی را نداشته باشند، هیچ‌گاه به مراتب عالی ورزشی نخواهند رسید (Vaez Mousavi & Mosayebi, 2007) بر همین اساس، تعداد قابل توجهی از مطالعات به شیوه‌ی هدف‌گذاری مؤثر و آموزش اولویت‌بندی اهداف و خواسته‌ها اختصاص یافته است (Nahrgang et al, 2013). در مطالعه‌ی حاضر، هدفمندی و اولویت‌بندی اهداف و خواسته‌ها به ترتیب با مصادیقی چون خرید بهترین خانه در سمیرم برای مادر و پرداخت قسط آن همین‌طور ارجح دانستن کسب درآمد برای تأمین مخارج خانواده به جای رفتن به مدرسه، اولویت دادن در رفتن به کلاس رزمی به جای کلاس درس و کنترل حس دل‌بستگی و جداشدن از خانواده برای کنترل مخارج خانواده (شهربانو با رفتن به شیراز و سهیلا با رفتن به اصفهان) بازنمایی شده است. در متون ورزشی یکی از مفاهیم مورد استفاده در بررسی قدرت ذهن در رسیدن به موفقیت ورزشی، استفاده از تلقین‌پذیری مثبت و تمایز بین ضمیر خودآگاه و ناخودآگاه هست. در اکثر این متون اشاره شده که بسیاری از تصمیم‌گیری‌ها و رفتارهای ما از ضمیر ناخودآگاه نشأت می‌گیرد. ضمیری که قدرت قضاوت ندارد و هر آنچه را که در مرکز توجهش قرار بگیرد، باور می‌کند و متعاقباً هر آنچه را که انسان باور کند، انجام می‌دهد (Hodges, 1999). در مطالعه‌ی حاضر، تلقین‌پذیری مثبت با مفاهیمی چون استفاده از تابلوی آرزوها و امید داشتن به آینده‌ای بهتر بازنمایی شده است. در ارتباط با داشتن امید برای آینده‌ای بهتر می‌توان به تصمیم برای خرید بهترین خانه در سمیرم برای مادر اشاره کرد. در ارتباط با مضمون تابلوی آرزوها نیز می‌توان به مصادیقی چون ترسیم تصویر اسب و نصب آن بر روی دیوار توسط شهربانو، ترسیم تصویر ایستادن بر روی سکوی قهرمانی و کسب مدال توسط الهه و ترسیم تصویر پدر با دخترش توسط سهیلا اشاره کرد. شایان ذکر است که هر سه خواهر به رویاهای ترسیم شده بر روی تابلوی آرزوهایشان دست یافتند.

انگیزش درونی و بیرونی مضمون دیگری بود که از متون استخراج شد. انگیزش درونی در متون ورزشی به عنوان موتور محرکه برای راندن فرد به جلو تعبیر شده‌است (Seyed Javadin, 2007). با این که بسیاری از محققان وجود انگیزش درونی را برای حرکت به جلو الزامی می‌دانند، اما بر تأثیر افزایش انگیزش بیرونی نیز تأکید کرده‌اند. در مطالعه‌ی حاضر انگیزش بیرونی (پاداش مالی) به عنوان مکملی برای انگیزش درونی شده‌است. به عبارت دیگر علاقه‌ی بی‌حد خواهران به ورزش رزمی (انگیزش درونی) که در تماشای فیلم‌های رزمی (تماشای فیلم بروسلی) و رفتن به کلاس ووشو در شرایط سخت بی‌پولی نمایان است با کسب پاداش مالی (انگیزش بیرونی) برای پرداخت قسط خانه و ایجاد شرایط بهتر برای زندگی درآمیخته است و آن‌ها را در مسیر ورزش ثابت قدم‌تر کرده‌است. در مجموع، در این مطالعه تلاش شد تا با بهره‌مندی از رویکرد کیفی، قهرمان شدن خواهران منصوریان در ووشو بازنمایی گردد. بر همین اساس، مصاحبه‌های رسانه‌ای با خواهران منصوریان در برنامه‌ی ماه عسل در مورخ ۹۶/۳/۱۱ و ۹۶/۳/۱۲ به عنوان نمونه‌های هدفمند (نظری) در نظر گرفته شد و از روش روایت پژوهی به عنوان راهنمای تحقیق استفاده شد. یافته‌های تحقیق حاضر در بخش تحلیل درون متنی شامل سه جزء جداگانه‌ی ویژگی‌های شخصیتی خواهران منصوریان، رخدادهای و کنش‌های صورت گرفته در زندگی غیر ورزشی و ورزشی‌شان و در نهایت نگاه کلی راوی خلاصه شد.

بر اساس یافته‌های به‌دست آمده از مصاحبه‌های روایتی در مواجهه با رخدادهای و کنش‌های صورت گرفته در زندگی خواهران منصوریان کدهای توصیفی شامل (پایگاه اقتصادی و اجتماعی پایین خانواده منصوریان و کارکردن خواهران از اوان زندگی در مزرعه اجاره‌ای پدر، ترک کردن خانه توسط پدر به دلیل فشار زندگی و طلبکاران، مهاجرت شهربانو به شیراز و سهیلا به اصفهان به منظور امرار معاش خانواده و کمک به کاهش هزینه‌های خانه، شکل‌گیری اولین تجربه‌های شهربانو در ورزش رزمی با حضور در کلاس‌های ووشو در شیراز، برگشت شهربانو به سمیرم و ایجاد انگیزه در الهه برای یادگیری ووشو و بستر ورود حرفه‌ای شهربانو والهه به ورزش ووشو، اعزام الهه به اردوی تیم ملی و دریافت جایزه نقدی به عنوان اولین سرمایه‌ی خانواده، الگوپذیری سهیلا از موفقیت ورزشی خواهران و برگشت او به سمیرم و علاقمند شدن او به ورزش ووشو و شروع تمرینات حرفه‌ای و حضور خواهران به صورت حرفه‌ای در مسابقات ملی و بین‌المللی ووشو و کسب مقام‌ها و موفقیت‌های روزافزون) تشریح شد. همچنین ویژگی‌های خواهران در دو بعد ویژگی‌های شخصیتی درون‌فردی (استحکام ذهنی و خودکارآمدی)، ویژگی‌های شخصیتی بین‌فردی (فضایل اخلاقی ارتباطی و ظرفیت پذیرش تفاوت‌های فرهنگی و مالی) و به کار بردن

استراتژی‌های عملکردی (هدفمندی، تلقین‌پذیری مثبت و انگیزش‌های درونی و بیرونی) خلاصه شد.

با توجه به یافته‌های مطالعه حاضر می‌توان بیان کرد که خواهران من‌صوریان در مواجهه با ضربه‌های روانی منتج از شرایط زندگی، با استعانت از یک سری از ویژگی‌های شخصیتی و راهبردهای بهبود عملکرد در مواجهه با رخدادها به نحو بهینه واکنش نشان دادند و با مدیریت شرایط بحران در جهت رشد و تعالی خود و سایر اعضای خانواده گام برداشتند.

پیام مقاله مبتنی بر یافته‌های این مطالعه و مطالعات گوجیاردی (۲۰۱۷) و هاول و اکلوند (۲۰۱۷) می‌توان اذعان نمود که در جاهایی که مشقت و ضربه‌های روانی باعث درهم شکستگی و فروریختن عده‌ای می‌شود، عده‌ای دیگر از این مشقت‌ها برای رشد بیش‌ترشان استفاده می‌کنند.

Reference:

- Aqababae, E & Khademolfogharaei, M. (2016). Representation of women and intra family relationships in Iranian movies of 2000s. *Women in art and culture*. Vol8, No2, pp171-192. (Persian)
- Côté, J. (1999). The influence of the family in the development of talent in sport. *The sport psychologist*. Vol13, No4, pp395-417.
- Green, J.G. McLaughlin, K.A. Berglund, P.A. Gruber, M.J. Sampson, N.A. Zaslavsky, A.M. & Kessler, R.C. (2010). Childhood adversities and adult psychiatric disorders in the national comorbidity survey replication I: associations with first onset of DSM-IV disorders. *Archives of general psychiatry*. Vol67, No2, pp113-123.
- Gruber, H. Jansen, P. Marienhagen, J. Altenmueller, E. (2010). Adaptions during the acquisition of expertise. *Talent Development & Excellence*. Vol2, No1, pp3-15.
- Gucciardi, D. (2017). The psychosocial development of world-class athletes: Additional considerations for understanding the whole person and salience of adversity. *Progress in Brain Research*. Vol232, pp127-132.
- Gucciardi, D.F. Hanton, S. & Fleming, S. (2017). Are mental toughness and mental health contradictory concepts in elite sport? A narrative review of theory and evidence. *Journal of science and medicine in sport*. Vol20, No3, pp307-311.
- Hardy, L. Barlow, M. Evans, L. Rees, T. Woodman, T. Warr, C. (2017). Great British medalists: Psychosocial biographies of Super-Elite and Elite athletes from Olympic sports. *Progress in Brain Research*. Vol232, P1-119.
- Hodges, J.D. (1999). *Sportsmind: An Athlete's Guide to Superperformance Through Mental and Emotional Training*. Sportsmind Institute for Human Performance Research.
- Howle, T.C. & Eklund, R.C. (2017). On elite and super-elite Great British athletes: Some theoretical implications from findings. *Progress in Brain Research*. Vol232, P121-125.
- Li, C. Wang, C.K.J. Pyun, D.Y. & Martindale, R. (2015). Further development of the talent development environment questionnaire for sport. *Journal of sports sciences*. Vol33, No17, pp1831-1843.

- MacNamara, Á. Button, A. & Collins, D. (2010). The role of psychological characteristics in facilitating the pathway to elite performance part 1: Identifying mental skills and behaviors. *The sport psychologist*. Vol24, No1, pp52-73.
- Martindale, R.J. Collins, D. Wang, J.C. McNeill, M. Lee, K.S. Sproule, J. & Westbury, T. (2010). Development of the talent development environment questionnaire for sport. *Journal of sports sciences*. Vol28, No11, pp1209-1221.
- Mohammadpour, A. (2013). *Qualitative research method; Anti-procedure (Practical steps and procedures in qualitative methodology)*. Tehran. (Persian)
- Nahrgang, J.D. DeRue, D.S. Hollenbeck, J.R. Spitzmuller, M. Jundt, D.K. & Ilgen, D.R. (2013). Goal setting in teams: The impact of learning and performance goals on process and performance. *Organizational Behavior and Human Decision Processes*. Vol122, No1, pp12-21.
- Ragheb, M. (2012). *Encyclopedia of narrative*. Tehran: science. (Persian)
- Sabzealizade, H. Badami, R. & Nezakat Alhosseini, M. (2014). Relationship between Family Functioning and Mental Toughness in Paralympics Athletes. *Psychological Studies*. Vol3, No9, pp1-10.
- Seyed Javadin, S. (2007). *Foundations of organization and manager*. Tehran: Knowledge look.
- Starkes, J. (2000). The road to expertise: Is practice the only determinant? *International Journal of Sport Psychology*. Vol31, No4, pp431-451.
- Vaez Mousavi, S. & Mosayebi, F. (2007). *Sport psychology*. Samt publication, P299-301. (Persian)